



خورشید سامراء

نگاهی به زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

مجید جعفرپور

نام

تاریخ نگاران اتفاق نظر دارند که نام شریف آن حضرت، حسن بن علی سلام الله علیهما است. آن بزرگوار، امام یازدهم از امامان اهل بیت علیهم السلام است.

ابو بکر فہفکی گوید: امام هادی علیه السلام به من نوشت: «پسرم ابو محمد، از نظر غریزه خیرخواه ترین افراد خاندان محمد، و از نظر حجت و برهان معتبرترین ایشان است؛ او پسر بزرگ تر و جانشین من است. رشته‌ها و احکام امامت به او می رسد، پس هر چه می خواهی از من بپرسی، از او بپرس که تمام احتیاجات شما نزد او است.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۱۱.

## پدر

پدر بزرگوارش، امام هادی علیه السلام و یکی از یادگارهای گران بهای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که با تمسک به ایشان، هرگز گمراه نخواهیم شد.

## مادر

مادر گرامی امام حسن عسکری علیه السلام، بانویی بزرگوار و با تقوا به نام حُدَیث، یا سوسن،<sup>۲</sup> یا سلیل<sup>۳</sup> سلام الله علیها است که به ایشان جدّه لقب داده اند.<sup>۴</sup>

بانو حُدَیث در سال ۲۳۱ هجری با امام هادی علیه السلام ازدواج کرد و از ثمرات آن، طلوع خورشید درخشان امام حسن عسکری علیه السلام بود.<sup>۵</sup>

## ولادت

امام حسن عسکری علیه السلام در روز جمعه، هشتم،<sup>۶</sup> یا دهم،<sup>۷</sup> ماه ربیع الثانی<sup>۸</sup> در مدینه منوره چشم به جهان گشود.

---

۲. همان، ص ۵۰۳.

۳. موسوعة الامام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۴. سلیل؛ یعنی بیرون کشیده شده از هر گونه آفت، پلیدی و ناپاکی.

۴. الغیبة، کفعمی، ص ۲۳۰.

۵. کشف الغمة، اربلی، ج ۲، ص ۴۰۳.

۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۳۵.

۷. مصباح المتهدّج، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۹۲.

۸. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۰۳.

## کنیه

امام هادی علیه السلام برای فرزند خویش کنیه ابو محمد انتخاب کرد. قابل توجه این که دو نفر از امامان، مکنتی به این کنیه شده اند: امام حسن مجتبی و امام حسن عسکری سلام الله علیهما.

## القاب

امام حسن عسکری علیه السلام دارای القاب فراوانی است که بخشی از آن ها در روایات اهل بیت علیهم السلام نقل شده است و برخی دیگر که راویان آن حضرت، ایشان را به آن لقب ها می خواندند که در منابع رجالی آمده است. از جمله القاب آن حضرت، عبارتند از:

الف) القابی که ریشه روایی دارند

۱. عسکری؛<sup>۲۹</sup> رفیق؛<sup>۳۰</sup> زکی؛<sup>۴</sup> فاضل؛<sup>۵</sup> امین؛<sup>۶</sup> میمون؛<sup>۷</sup> نقی؛<sup>۸</sup> طاهر؛<sup>۹</sup> ناطق عن الله؛<sup>۱۰</sup> مؤمن بالله؛<sup>۱۱</sup> مرشد الی الله؛<sup>۱۲</sup> صادق؛<sup>۱۳</sup> صامت؛<sup>۱۴</sup> امین علی سرّ الله؛<sup>۱۵</sup> علام؛<sup>۱۸</sup>
۱۶. ولیّ الله؛<sup>۱۷</sup> سراج اهل الجنة (مشعل درخشان بهشتیان)؛<sup>۱۸</sup> خزانه الوصیین.<sup>۲۱</sup>

ب) القابی که ریشه ای روایی ندارند، ولی معروفند

- 
۹. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۶۵۱.
  ۱۰. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۰۷.
  ۱۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۵۱.
  ۱۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۹۶-۹۷.
  ۱۳. کفایة الأثر، خزاز، ص ۵۷ و ۲۱۸.
  ۱۴. همان، ص ۸۱.
  ۱۵. همان، ص ۱۸۷.
  ۱۶. همان، ص ۴۰.
  ۱۷. الإنصاف، سید هاشم بحرانی، ص ۱۴۱.
  ۱۸. همان، ص ۲۷۶.
  ۱۹. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۵۵۴.
  ۲۰. همان، ص ۷۰۰.
  ۲۱. مهج الدعوات، سید ابن طاووس، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۱۹. هادی؛ ۲۰. مُهتدی؛ ۲۱<sup>۲۲</sup>. مُرضی؛ ۲۲<sup>۲۳</sup>. مُضی؛ ۲۳. شافی؛ ۲۴. خالص؛ ۲۵<sup>۲۴</sup>. خاص؛

۲۶. تقی؛ ۲۷<sup>۲۵</sup>. شفیع؛ ۲۸. موفی؛ ۲۹. سخی؛ ۳۰. مستودع.<sup>۲۶</sup>

ج) القابی که در کتب رجالی معروف هستند

۳۱. فقیه؛ ۳۲<sup>۲۷</sup>. رجل؛ ۳۳<sup>۲۸</sup>. اخیر؛ ۳۴<sup>۲۹</sup>. عالم.<sup>۳۰</sup>

## نصّ بر امامت حضرت عسکری علیه السلام

روایات بسیاری از سوی رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام مبنی بر امامت پیشوایان دوازده گانه وارد شده و در آنها به صورت صریح و غیر صریح، به نام مقدّس ایشان از جمله امام حسن بن علی عسکری سلام الله علیهما اشاره شده است. جز این که روایاتِ وارده از ناحیه پدر بزرگوارش به صورت مستقل به امامت آن حضرت تصریح دارد.

در این جا به سه مورد از این روایات اشاره می شود:

### روایت اول

یحیی بن یسار قنبری گوید: حضرت ابوالحسن (امام علی النقی) علیه السلام چهار ماه قبل از وفاتش

به پسرش حسن وصیت کرد و مرا با جماعتی از دوستان گواه گرفت.<sup>۳۱</sup>

---

<sup>۲۲</sup>. دلائل الإمامة، طبری، ص ۲۲۳.

<sup>۲۳</sup>. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۱.

<sup>۲۴</sup>. مطالب السنول، ج ۲، ص ۷۸.

<sup>۲۵</sup>. حياة الإمام العسکری، ص ۲۰.

<sup>۲۶</sup>. هداية الكبرى، خصیعی، ص ۳۲۷.

<sup>۲۷</sup>. جامع الرواة، اردبیلی، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۶۲.

<sup>۲۸</sup>. همان.

<sup>۲۹</sup>. کافی، شیخ کلینی، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۵.

<sup>۳۰</sup>. ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۶.

<sup>۳۱</sup>. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۱.

## روایت دوم

داود بن قاسم گوید: شنیدم امام هادی علیه السلام می فرمود: «جانشین بعد از من حسن است؛ چگونه چگونه خواهد بود حال شما نسبت به جانشین بعد از این جانشین؟». عرض کردم برای چه، خدایم قربانت گرداند؟، گرداند؟، فرمود: «زیرا شما خودش را نمی بینید و برای شما روا نیست نامش را ببرید»، عرض کردم: پس چگونه از چگونه از او یاد کنیم؟ فرمود: «بگوئید: حجت از آل محمد علیهم السلام». ۳۲

## روایت سوم

علی بن عمرو عطار گوید: خدمت حضرت ابو الحسن عسکری (امام دهم) علیه السلام رسیدم، و هنوز هنوز پسرش ابو جعفر (محمد) زنده بود و من گمان می کردم او امام است، عرض کردم: (قربانت)، کدام یک از پسرانت را امام بدانم؟، فرمود: «تا امر من به شما نرسد، هیچ یک را به امامت، مخصوص ندانید»، عطار گوید: بعد (از وفات محمد) به حضرت نوشتیم: امر امامت متعلق به کیست؟ حضرت برایم نوشت «متعلق، به پسر بزرگترم» و ابو محمد (امام حسن عسکری) بزرگ تر از ابی جعفر (محمد) بود. ۳۳

## مکان زندگانی

### سامرا

شهر سامرا از شهرهای مذهبی - زیارتی عراق و مرکز استان صلاح الدین است که در ۱۱۱ کیلومتری شمال بغداد، ۱۰۳ کیلومتری کاظمین، ۲۱۳ کیلومتری شهر کربلا و ۲۷۶ کیلومتری شهر نجف قرار گرفته است. ۳۴

در عظمت و تقدس سامرا، کلام نورانی امام عصر علیه السلام کفایت می کند؛ ابی محمد و جنانی گوید: کسی که حضرت مهدی علیه السلام را دیده بود به من خبر داد که آن حضرت ده روز پیش از حادثه (شهادت امام

۳۲. همان، ص ۳۲۸، ح ۱۴.

۳۳. همان، ص ۳۲۶، ح ۷.

۳۴. ره توشه عتبات عالیات، جمعی از نویسندگان، ص ۴۲۸.

یازدهم علیه السلام) از خانه بیرون آمد و فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهَا مِنْ أَحَبِّ الْبِقَاعِ لَوْ لَا الطَّرْدُ؛<sup>۳۵</sup> بار خدایا تو می دانی که این جا (سامره که وطن پدر و جد من است) دوست‌ترین بلاد است نزد من، اگر مرا نمی‌راندند».

### خلفای هم عصر امام

امام عسکری علیه السلام در دوران شش ساله امامت خویش، با سه تن از خلفای بنی عباس معاصر بود که به ترتیب عبارتند از: مُعْتَز، مُهْتَدی، مُعْتَمَد.

### نقش ویژه امام عسکری علیه السلام

علاوه بر امور مهم و مسئولیت‌های عمومی امامت که امام حسن عسکری علیه السلام بدان‌ها می‌پرداخت، آن حضرت نقشی مشخص و اختصاصی نیز داشت و آن نقش تدارک و آماده‌سازی عملی مرحله امامت فرزند بزرگوارش حضرت حجت علیه السلام بود. در این رابطه امام علیه السلام اقداماتی انجام داد که عبارتند از:

۱. نهان داشتن ولادت امام عصر علیه السلام؛

۲. مؤدّه ولادت به خواص؛

۳. ارائه آن حضرت به خواص؛

۴. تصریح به امامت او؛

۵. زمینه سازی عصر غیبت:

الف) نهان ساختن خود از دید مردم؛

---

<sup>۳۵</sup>. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰.

ب) ارجاع دادن شیعیان به نمایندگان مورد تأیید برای حل مشکلات دینی و دنیوی؛

ج) تأیید کتب فقهی و اصل های تصنیف شده یاران امام.<sup>۳۶</sup>

شهادت خورشید سامرا

معمد عباسی نفوذ معنوی و علمی امام حسن عسکری علیه السلام در جامعه را به خوبی درک کرده بود؛ وی می دانست که ادامه حیات طیبۀ آن حضرت، همراه با سرنگونی حکومت ظالمانه او خواهد بود. از این رو تصمیم به قتل امام عسکری علیه السلام گرفت و مخفیانه توسط عمال خود در روز اول ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری آن بزرگوار را مسموم نمود و امام حسن عسکری علیه السلام بعد از چند روز درد مسمومیت، در روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید.<sup>۳۷</sup>

از محمد بن حسین بن عبّاد نقل است که گفت: امام حسن عسکری علیه السلام روز جمعه وقت نماز صبح درگذشت و در آن شب که هشت روز از ماه ربیع الاول سال دویست و شصت هجری گذشته بود، نامه های بسیاری به دست خود برای مردم مدینه نوشته بود و در آن شب کسی جز صقیل کنیز (نام دیگر حضرت نرجس سلام الله علیها) و عقید خادم و آن که خدای تعالی می داند در نزد او نبودند. عقید گوید: از ما آب جوشیده با مُصطَکی خواست و برایش آوردیم، فرمود: «ابتدا نماز می خوانم، مرا آماده کنید، برای او آب وضو آوردیم و دستمالی در دامنش گسترده، آب را از صقیل گرفت، روی و دو دست خود را دو بار شست و بر سر و دو پایش مسحی کرد و نماز صبح را در بسترش خواند و قدح را گرفت تا بنوشد و قدح به دندان هایش می خورد و دستش می لرزید و صقیل قدح را از دستش گرفت و در همان ساعت درگذشت و در سرای خود در سامراء کنار پدرش صلوات الله علیهما به خاک سپرده شد و به کرامت خدای تعالی نایل آمد و عمرش بیست و نه سال تمام بود.<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۶</sup>. برای آگاهی بیشتر: رک: با خورشید سامرا، محمد جواد طبسی، ص ۲۸۳-۲۹۸.

<sup>۳۷</sup>. ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۳۵.

<sup>۳۸</sup>. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۷۴.

## تجهیز امام

ابو الادیان گوید: من خدمتکار امام حسن علیه السلام بودم و نامه‌های او را به شهرها می‌بردم و در که منجر به فوت او شد، نامه‌هایی نوشت و فرمود: «آنها را به مدائن برسان، چهارده روز این جا نخواهی بود پانزدهم وارد سامرا خواهی شد و از سرای من صدای واویلا می‌شنوی و مرا در مغتسل می‌یابی». ابو الادیان ای آقای من! چون این امر واقع شود امام و جانشین شما که خواهد بود؟ فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو مطالبه کرد، همو قائم پس از من خواهد بود»، گفتم: دیگر چه؟، فرمود: «کسی که بر من نماز خواند، همو قائم پس از من خواهد بود»، گفتم: دیگر چه؟، فرمود: کسی که خبر دهد در آن همیان چیست، همو قائم پس از من خواهد بود». و هیبت امام مانع شد که از او بپرسم در آن همیان چیست؟

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که فرموده بود، روز پانزدهم به سامرا در آمدم و به ناگاه صدای واویلا از سرای او شنیدم و او را بر مغتسل یافتم و برادرش جعفر بن علی را بر در سرا دیدم و شیعیان را بر در خانه‌اش دیدم که وی را به مرگ برادر تسلیت و بر امامت تبریک می‌گویند، با خود گفتم: اگر این امام است که امامت باطل خواهد بود، زیرا می‌دانستم که او شراب می‌نوشد و در کاخ قمار می‌کند و تار می‌زند، پیش رفتم و تبریک و تسلیت گفتم و از من چیزی نپرسید، آن گاه عقید بیرون آمد و گفت: ای آقای من! برادرت کفن شده است برخیز و بر وی نمازگزار! جعفر بن علی داخل شد و بعضی از شیعیان که سمان و حسن بن علی که معتصم او را کشت و به سلمه معروف بود در اطراف وی بودند.

چون به سرا در آمدیم، حسن بن علی را کفن شده بر تابوت دیدم و جعفر بن علی پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد و چون خواست تکبیر گوید کودکی گندم گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم». و جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد عقب رفت.



آن کودک پیش آمد و بر او نماز گزارد و کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد، سپس فرمود: «ای بصری! جواب نامه‌هایی را که همراه توست بیاور»، و آنها را به او دادم و با خود گفتم این دو نشانه، باقی می‌ماند همیان؛ آن گاه نزد جعفر بن علی رفتم در حالی که او آه می‌کشید. حاجز و شاء به او گفت: ای آقای من! آن کودک کیست تا بر او اقامه حجّت کنیم، گفت: به خدا سوگند هرگز او را ندیده‌ام و او را نمی‌شناسم. ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از حسن بن علی علیهما السّلام پرسش کردند و فهمیدند که او در گذشته است و گفتند: به چه کسی تسلیت بگوییم؟ و مردم به جعفر بن علی اشاره کردند، آنها بر او سلام کردند و به او تبریک و تسلیت گفتند و گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟ جعفر در حالی که جامه‌های خود را تکان می‌داد برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید، راوی گوید: خادم از خانه بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست و همیانی که درون آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است. آنها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده همو امام است و جعفر بن علی نزد معتمد عباسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد، معتمد کارگزاران خود را فرستاد و صقیل جاریه را گرفتند و از وی مطالبه آن کودک کردند، صقیل منکر او شد و مدّعی شد که باردار است تا به این وسیله کودک را از نظر آنها مخفی سازد و وی را به ابن الشّوارب قاضی سپردند و مرگ ناگهانی عبید الله بن یحیی بن خاقان و شورش صاحب زنج در بصره پیش آمد و از این رواز آن کنیز غافل شدند و او از دست آنها گریخت.<sup>۳۹</sup>

### بیان معجزه‌ای از حضرت: «پاسخ به سؤال فراموش شده»

حسن بن ظریف می‌گوید: دو مسأله مرا به خود مشغول کرده بود. از این رو خواستم نامه‌ای بنویسم و آن‌ها را از امام حسن عسکری علیه السّلام بپرسم. نامه را نوشتم و در باره قائم علیه السّلام پرسیدم که چگونه قضاوت می‌کند و کجا می‌نشیند؟ و می‌خواستم از تبی که دو روز در میان به سراغ آدم می‌آید، بپرسم اما یادم رفت. پاسخی

که آمد این گونه بود: در مورد قائم علیه السلام پرسیده بودی، بدان که او مانند داوود، به علم خود قضاوت می‌کند و بینه نمی‌خواهد. و می‌خواستی از تبی که دوروز در میان به سراغ آدم می‌آید، سؤال کنی اما فراموش کردی. پس در کاغذ بنویس: (یا نَارُ کونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَیٰ اِبْرَاهِیْمَ)؛<sup>۴۰</sup> و این را در گردن شخص تبادل بیاویز.

راوی می‌گوید: همان گونه نمودم که امام علیه السلام فرموده بود، و شخص تبادل خوب شد.<sup>۴۱</sup>

### در محضر کلام نورانی امام عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری گوید: شرفیاب حضور امام یازدهم، ابی محمد حسن بن علی علیهما السلام شدم و می‌خواستم از وی درباره جانشین پس از او سؤال کنم؛ او سخن آغاز کرد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق، به درستی که خداوند متعال از هنگامی که آدم را آفریده، زمین را خالی نگذاشته و نگذارد تا آن زمانی که حجت خدا بر خلقش قیام کند که به وسیله او بلا را از اهل زمین دور کند و به وسیله او باران فرو فرستد و به سبب او برکات زمین را بیرون آورد. راوی گوید، من گفتم: ای فرزند رسول خدا، امام و خلیفه پس از شما کیست؟ آن حضرت با عجله برخاست و درون خانه رفت و سپس برگشت و بر شانه او پسر بچه ای بود که رویش چون ماه شب چهارده بود، کودک سه ساله به نظر می‌آمد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق، اگر نزد خدای تعالی و نزد حجت های او گرامی نبودی، من این پسر خود را به تو نشان نمی‌دادم. به درستی که او هم نام رسول خدا و هم کنیه او است و آن کسی است که زمین را از عدل و داد پر کند، چنانچه از جور و ستم پر شده باشد. ای احمد بن اسحاق، مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و ذوالقرنین است. وَاللّٰهُ لَیَغِیْبَنَّ غَیْبَةً لَا یَنْجُو فِیْهَا مِنْ اَلْهٰلَکَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَی الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ

<sup>۲</sup> سوره انبیاء، آیه ۶۹

<sup>۴۱</sup> بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۹۵، ص ۶۶، ص ۴۶.

فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ؛ به خدا یک غیبتی دارد که در آن کسی از هلاکت نجات نیابد جز آنکه خداوند متعال او را بر قول به امامت وی ثابت دارد و او را موفق سازد که برای تعجیل فرجش دعا کند».

گفتم: ای مولای من، آیا او نشانه‌ای دارد که دل من بدان مطمئن شود؟ آن کودک به زبان فصیح فرمود: من باقی گذاشته خدای بر روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق، پس از مشاهده این واقعیت دنبال اثری نگرد. احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم و چون فردارسید، خدمت آن حضرت برگشتم و عرض کردم: یا فرزند رسول خدا، هر آینه شادی من بدان چه بر من ممت نهادی بزرگ است، بفرمائید چه روشی از خضر و ذوالقرنین دارد؟ فرمود: ای احمد، آن طول غیبت است. عرض کردم: یا ابن رسول الله، آیا غیبتش هم طولانی باشد؟ فرمود: آری، به پروردگارم سوگند، تا آنکه بیشتر معتقدان به امر امامت او از آن برگردند، مگر آن کسی که خداوند بلند مرتبه نسبت به ولایت ما از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دلش نوشته و او را به وسیله روح خود کمک کرده است. ای احمد بن اسحاق، این امری است از امر خدا و سرّی است از سرّ خدا و غیبی است مخصوص خدا؛ آنچه من به تو گفتم، بگیر و پنهان دار و از شکرگزاران باش تا در علّیین با ما باشی».<sup>۴۲</sup>

بر اساس این روایت کسانی در زمان غیبت امام علیه السلام از هلاکت نجات پیدا می کنند که دارای دو ویژگی باشند:

الف) «مَنْ يَبْتَئُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ»؛ کسی که خداوند متعال بر اقرار به امامت حضرت صاحب الامر علیه السلام ثابت قدم بدارد و این کلام اشاره به آیه قرآن است که می فرماید: (يَبْتِئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...)<sup>۴۳</sup>؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند، با گفتار استوار- اعتقاد درست و پایدار- در زندگی این جهان و در آن جهان برجای و استوار می دارد.

<sup>۴۲</sup>. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۸۵.

<sup>۴۳</sup>. سوره حضرت ابراهیم، آیه ۲۷.

از این رو در زیارت عاشورا از خدای سبحان می خواهیم: «وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ  
أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام». <sup>۴۴</sup> قدم صدق یعنی اقتدای کامل به امام  
زمان علیه السلام!

ب) «وَوَقَّهَ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ»؛ و خداوند در زمان غیبت به او توفیق می دهد که برای تعجیل  
فرج امام عصر علیه السلام (دائماً) دعا کند. امام زمان علیه اسلام نیز امر فرمودند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ  
فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ». <sup>۴۵</sup>

---

<sup>۴۴</sup>. مصباح المتعجل، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۷.

<sup>۴۵</sup>. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الغیبة، شیخ طوسی، کتاب الغیبة للحجة، ص ۲۹۲.